

مبانی دولت اسلامی - ایرانی در اندیشه امام خامنه ای (مدظله العالی)

علی بزمی حاجی خواجه لو^۱ عباس طاهری^۲

۱- دانشجوی دوره دکتری حقوق خصوصی، گروه پژوهش، دانشکده امنیت، دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع) @ gmail.com
ali.bazmi۶۹

۲- دانشجوی دوره دکتری حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، ایران.

چکیده

هدف اصلی در این نوشتار، بررسی مبانی دولت اسلامی در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت از دیدگاه امام خامنه ای می باشد. بر این اساس، در تجزیه و تحلیل موضوع از روش شناسی عقلی به نحو توصیفی- تحلیلی بهره برده و با روش اسنادی داده های مورد نظر را از بیانات امام خامنه ای استخراج کرده ایم. در این راستا نتایج تحقیق حاکی از این است که مبانی دولت اسلامی از دیدگاه امام خامنه ای به طور کلی به دو دسته تصویری و تصدیقی قابل تقسیم است. در این میان، مبانی تصویری ناظر به تعریف لغوی و اصطلاحی مبانی، الگو، اسلامی، ایرانی، پیشرفت و تلقی از ماهیت دولت اسلامی است. بر اساس این تلقی، حکومت ابزار است نه هدف، امانت است نه تملیک، تدبیر است نه تزویر، برای خدمت است نه برای کسب قدرت و پرستیژ، هم حق است هم تکلیف و بالاخره ولایت است نه سلطنت. مبانی تصدیقی دولت اسلامی به دو دسته مبانی دور و نزدیک تقسیم می شود. مبانی دور عبارتند از: مبانی هستی شناسی، معرفت شناسی، انسان شناسی و روش شناسی و بایدهای مبانی نزدیک دولت اسلامی به سلامت اعتقادی و اخلاقی، عدالت، حکمت، قانونگرایی، نفی نظام سلطه، درونزا و برونگرا بودن اشاره دارد.

کلیدواژگان: دولت، اسلامی ایرانی، مدیریت، دولت سازی، رهبری.

انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک دگرگونی و تحول بنیادی به رهبری امام خمینی(ره) و پشتیبانی اقشار مختلف مردم، در سال ۱۳۵۷ با هدف مبارزه با استبداد، استعمار و نیل به آزادی، استقلال و همچنین تشکیل امت واحده به پیروزی رسید. انقلاب اسلامی با ارائه یک نظم جدید به بشریت، در پی تشکیل حکومت و نظام اسلامی به منظور بدیلی برای رژیم پهلوی درآمد. با این حال، زبان و پیام انقلاب نمی توانست در مرزهای ایران منحصر بماند. این انقلاب، حاوی پیام مشترکی برای بشریت بوده است که همانا مقابله با نظام سلطه، رهایی مستضعفین از یوغ مستکبرین و عدالت خواهی جهانی است. در راستای تحقق چنین اهدافی، همواره تشکیل دولت اسلامی به عنوان یک اصل مطرح بوده است. پس از رحلت بنیانگذار انقلاب اسلامی، در زمان رهبری حضرت آیت الله خامنه ای نیز این امر خطیر مورد تأکید جدی ایشان بوده است تا آنجا که تشکیل دولت اسلامی به عنوان یک گام مهم در سیر تحقق تمدن اسلامی از سوی آیت الله خامنه ای بیان شده است. (بیانات ۲۴/۷/۱۳۹۰).

آیت الله خامنه ای با تبیین فرآیند پنج گانه انقلاب اسلامی (انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی، امت اسلامی) بر این نکته تأکید دارند که با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و تشکیل نظام جمهوری اسلامی و تثبیت قانون اساسی در سال های ابتدایی، مراحل اول و دوم گام های پنجگانه محقق شده است اما به رغم تلاش های صورت گرفته، دولت اسلامی در معنای حقیقی محقق نشده و تأکید دارند که باید دولت اسلامی به عنوان گام سوم از روند تحقق تمدن اسلامی هرچه زودتر محقق شود. با توجه به اهمیت موضوع، دغدغه ها و مطالبات مکرر ایشان مبنی بر لزوم تشکیل دولت اسلامی، مقاله حاضر سعی دارد جهت پر کردن خلأ نظری در این زمینه و برطرف کردن ابهامات موجود، به واکاوی ماهیت دولت اسلامی در دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) بپردازد. این مقاله با کاربست روش کیفی از نوع تحلیل اسنادی، در پی پاسخ به این سوال است که «مبانی و ماهیت و ارکان دولت اسلامی ایرانی از دیدگاه امام خامنه ای (مدظله العالی) چگونه می باشد؟».

چارچوب نظری

الف. ماهیت، کارکرد، اهداف و اقسام دولت:

۱- ماهیت دولت

دولت را می توان ساختی از قدرت دانست که ملت ها به منظور برقراری نظم و قانون در بین خود و دفاع از سرزمینشان به وجود می آورند (آشوری، ۱۶۳: ۱۳۹۱). هیوود، دولت را از سه چشم انداز و رویکرد ایدئالیستی، رویکرد کارکردگرایانه و رویکرد سازمانی مورد بررسی قرار داده است. در رویکرد ایدئالیستی متأثر از دیدگاه هگل، دولت تبلور «ازخودگذشتگی همگانی» است. در رویکرد کارکردگرایانه دولت مجموعه ای از نهادها است که کارکرد نظم و ثبات اجتماعی را برعهده دارند. و در رویکرد سازمانی، دولت را مجموعه ای از نهادهای «عمومی» معرفی می کنند که مسئول سازمان دهی جمعی زندگی اجتماعی اند و به هزینه عموم مردم تأسیس شده اند. هیوود مهم ترین ویژگی های دولت را حکمرانی و به کار بردن قدرت مطلق و نامحدود، عمومی بودن نهادهای دولتی، مشروعیت داشتن، ابزار سلطه بودن و سرزمینی بودن برمی شمارد (هیوود، ۱۲۹: ۱۳۹۲-۱۳۱). نظر به اینکه در فرهنگ سیاسی ایرانی ها، بین تعریف حقوقی و سیاسی دولت تمیز قائل نشده اند، تعریف مختار نویسندگان از دولت چنین است: «دولت به معنای مجموعه نهادهای حقوقی و قضائی، دستگاه های اجرائی و کارگزاران حکومتی است که وظیفه حکمرانی بر مردم مبتنی بر قانون اساسی، به منظور تأمین منفعت عمومی را بر عهده دارد».

۲- کارکرد دولت

در هر نظام سیاسی، دولت جهت پیشبرد اهداف مدنظر آن نظام شکل می گیرد، در نتیجه دولت کارکردهای خاصی را بر عهده دارد (بشیریه، ۱۳۸۷: ۲۷). می توان کارویژه های عمومی دولت را به چهار بخش ایجاد همبستگی، حل کشمکش ها و منازعات، دستیابی به اهداف کلی حکومت و تطبیق با شرایط جدید دانست (بشیریه، ۱۳۸۷: ۱۰۸-۱۱۱).

۳- اهداف دولت

از آن جا که دولت ها برخاسته از نظام های سیاسی متفاوتی هستند و هر نظام سیاسی، نگاه خاصی به انسان، جهان و عالم هستی دارد؛ می توان گفت دولت ها نیز با توجه به نظام های سیاسی مختلف، تمایز می یابند. در نتیجه اهداف دولت ها از هم افتراق می یابند و هر دولتی در چهارچوب نظام سیاسی برخاسته از آن به دنبال تحقق اهداف خود است. در این میان، نظام سیاسی اسلام، اهداف و مبانی خاص خود را دارد و با توجه به همین مبانی و اصول نیز دولت اسلامی متناسب با آن شکل می گیرد (عظیمی شوشتری، ۱۳۸۸: ۱۰۳).

ب. دین و دولت در نظام سیاسی اسلام

۱- ماهیت دین:

دین الهی مجموعه ای از عقاید، اخلاق و قوانین رفتاری است که خداوند برای هدایت و رستگاری بشر تعیین کرده است. درواقع دین، مصنوع و مجعول الهی است به این معنا که همه دین از طرف ذات اقدس الهی است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۹).

۲- کارکرد دین

رویکردهای گوناگونی در مغرب زمین و جهان اسلام نسبت به قلمرو دین وجود دارد. دو دیدگاه کلی در این باره را می توان به صورت زیر بیان کرد:

الف. قرائت حداقلی از دین اسلام: بر اساس این دیدگاه از دین انتظار حداقلی می رود. منظور این است که شرع در امور اجتماعی، سیاسی و اخلاقی موارد حداقلی لازم را به ما آموخته است نه بیش از آن را. چنین دیدگاهی، با محصور کردن دین در سعادت آخرتی، منکر دخالت و حضور دین در عرصه اجتماع و امور سیاسی است (عباسی، ۱۳۸۳: ۱۳۴).

ب. قرائت حداکثری از دین اسلام: اکثر متفکران اسلامی بر این باور هستند که دین در همه زمینه ها از قبیل خداشناسی، معاد، نبوت، اخلاق و حقوق، به صورت حداکثری عمل کرده است و اسلام به تمام پرسش های مربوط به حوزه رندگانی فردی و اجتماعی پاسخ داده است (خسروپناه، ۱۳۸۱: ۶). شهید مطهری در این رابطه چنین می فرماید: « اسلام .. مکتبی است جامع و واقع گرا، در اسلام به همه ی جوانب نیازهای انسانی، اعم از دنیایی یا آخرتی، جسمی یا روحی، عقلی و فکری و یا احساسی و عاطفی، فردی یا اجتماعی توجه شده است. » (مطهری، ۱۳۷۲: ۶۳).

۳. دولت و حاکمیت دین

همانطور که اشاره شد دولت را از منظرهای مختلفی همچون نقش، کارکرد، اهداف و غایت می توان تعریف و تقسیم بندی کرد. این مقاله، برای اتخاذ چارچوب نظری، مبنای صورتبندی دولت را «منشأ حاکمیت» قرار داده است. در یک تقسیم بندی کلی، منشأ حاکمیت دولت یا دینی است یا غیر دینی. از این رو می توان از دو نوع کلی دولت صحبت به میان آورد:

یک. دولت دینی: دولتی است که انتخاب حاکمان، وظایف، نقش، جهت گیری و اهداف دولت مستند به اراده الهی و متون دینی تعریف می گردد و براساس آن مورد ارزیابی قرار می گیرد. «در دولت دینی قانون جز آنچه از سوی خداوند به پیامبران وحی شده، نیست» (لمبتون، ۱۳۸۵: ۳۷). معیار دینی بودن یک دولت استناد به دین و پذیرش مرجعیت دین در زندگی سیاسی است و همچنین در آن ساخت عمومی قدرت سیاسی یا حداقل شرایط حاکمان با معیارهای ملحوظ در نصوص دینی تعریف می شود (فیرجی، ۱۳۹۵: ۲۳-۲۷).

دو. دولت غیر دینی: دولتی است که انتخاب حاکمان، وظایف، نقش، جهت گیری و اهداف دولت مستند به اراده بشری تعریف می گردد و براساس آن مورد ارزیابی قرار می گیرد. می توان گفت هرگونه دولتی که ناظر به دین و شریعت الهی نباشد، دولت غیر دینی است.

۴. نظریه های دولت در نظام سیاسی اسلام

نظریه های شکل گیری دولت در دیدگاه مسلمانان، به دو رهیافت اصلی اهل تسنن و شیعه قابل تفکیک است:

یک. نظریه های دولت در نظام سیاسی اهل تسنن: اهل تسنن قائل به چهار نظریه اهل حل و عقد، استخلاف، شورا و استیلاء در رابطه با شکل گیری دولت هستند. (نک: قادری، ۱۴: ۱۳۸۸؛ حاجی صادقی، ۱۳۸۶: ۱۹۲؛ فیرجی، ۱۳۹۵: ۳۹).

دو. نظریه های دولت در نظام سیاسی تشیع: در تفکر شیعی می توان نظریه های دولت را ذیل دو دوره حضور معصوم (ع) و دوره غیبت معصوم صورتبندی کرد:

الف. «امامت» به مثابه نظریه دولت در عصر حضور معصومین (ع): شیعیان امامت را از ارکان اعتقادی اسلام می دانند و عقیده دارند که خداوند امامان معصوم (ع) را برای اداره نظام سیاسی و هدایت جامعه اسلامی بعد از پیامبر (ص) برگزیده است (فیرجی، ۱۳۹۵: ۴۱-۴۲).

ب. «ولایت فقهاء» به مثابه نظریه دولت در عصر غیبت معصوم (ع): شیعیان معتقدند در عصر غیبت که امام معصوم و خلیفه خدا بنابر مصالحی در پرده غیبت به سر می برند؛ مأموریت های دین یعنی تبیین، تفسیر و اجرای احکام الهی، رهبری جامعه اسلامی و قضاوت معطل نمانده و لاجرم کارشناسان دین، اجرای این وظایف خطیر را به نیابت از امام متعهد می شوند (حاجی صادقی، ۱۳۸۶: ۱۹۷-۱۹۸). در دوران غیبت امام معصوم (ع)، در تفکر شیعی دو رهیافت کلی در رابطه با ولایت فقهاء قابل پیگیری است:

یک. نظریه انتخاب: نظریه انتخاب، که عمدتاً پس از تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران مطرح شده است؛ مهم ترین نظریه در مقابل نظریه انتصاب قرار دارد. مبنای مشروعیت در این نظریه الهی-مردمی قلمداد می شود. در این نگاه فقیه تنها در محدوده قانون اساسی و قراردادی که با مردم بسته، موظف به اعمال قدرت و حکومت است (لک زایی، ۱۳۸۶: ۵۰-۵۴).

دو. نظریه انتصاب: شیعه با استناد به اصل امامت معصوم اعتقاد دارد که تنها حاکمی که از طرف خداوند به عنوان حاکم جامعه اسلامی برگزیده باشد، دارای مشروعیت است (نوابی، ۱۱۶: ۱۳۸۱). نقش مردم در این نظریه در حد پذیرش ولایت فقهاء و فعلیت دادن و کارآمد کردن ولایت و حکومت آن هاست و مردم عنصر مشروعیت بخش به حساب نمی آیند (لک زایی، ۱۳۸۶: ۴۸-۴۹).

ج. بنیان های تفکر سیاسی آیت الله خامنه ای

در تفکر سیاسی اندیشمندان تفاوت های بنیادینی وجود دارد که ریشه آن در بنیان های فکری مختلف است. به طوری که اندیشمند معتقد به خدا، همه عالم را مخلوق و جلوه ای از او می داند اما اندیشمند ماتریالیست که اعتقادی به هیچ مبدأ و معادی ندارد نگاه دیگری به هستی دارد. همین تمایز باعث می شود در تلقی از سیاست و اندیشه سیاسی تفاوت اساسی به وجود آید (مهاجرنیا، ۱۳۹۳: ۸۹). از اینرو اجمالاً به بنیان های تفکر سیاسی آیت الله خامنه ای اشاره می شود:

۳-۱. هستی شناسی

از منظر آیت الله خامنه ای بینش توحیدی باید زیربنا و قاعده اساسی تمام طرح ها، برنامه ها و افکار عملی و زندگی ساز در اسلام باشد. ایشان نگرش توحیدی را دارای نقش سازنده در زندگی انسان ها می دانند (مهاجرنیا، ۱۳۹۳: ۹۳). در واقع، توحید نوعی طرز فکر است که در بنای جامعه و اداره آن نقش اساسی دارد: «توحید هم جزو جهان بینی اسلام است، هم جزو ایدئولوژی سازنده زندگی ساز اسلام است» (خامنه ای، ۱۸۱: ۱۳۹۲).

۳-۲. معرفت شناسی

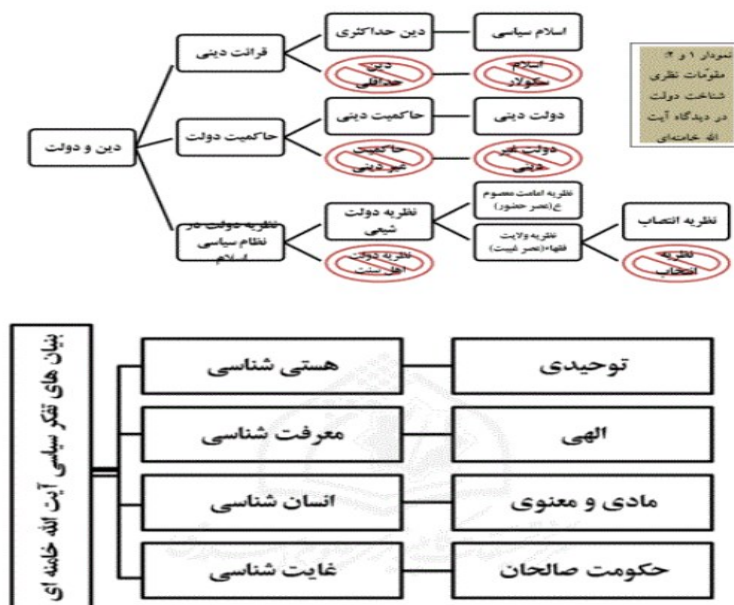
حضرت آیت الله خامنه ای، تفکرات غربی ها را تفکراتی مبتنی بر معرفت شناسی مادی و غیرالهی معرفی می کنند و بر غلط بودن هر دستگاه علمی و فکری که بر پایه معرفت مادی و اعتقاد مادی باشد، تاکید دارند. ایشان معتقدند باید با اعتقاد به وجود خدا، اعتقاد به قدرت خدا، حضور الهی و ربوبیت الهی به حقایق آفرینش نگاه کرد و بایستی با نگاه معرفت شناسی الهی به حقایق پی برد (بیانات ۱۳۹۳/ ۰۱/۳۰).

۳-۳. انسان شناسی

رابطه معناداری میان بنیادهای انسان شناختی با اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای وجود دارد. آیت الله خامنه ای بر اساس آموزه های اسلامی جایگاه ویژه ای برای انسان قائل است و ابعاد چندگانه ای برای انسان در نظر می گیرد: «انسان محدود در جسم نیست؛ محدود در زندگی چندروزه دنیا نیست؛ محدود در معنویات هم فقط نیست؛ محدود در یک قطعه شخصی از تاریخ هم نیست؛ انسان همیشه در همه حال انسان است و ابعاد وجودی انسان، ابعاد لایتنهای است و ناشناخته است» (بیانات ۱۳۷۷ / ۰۸/۲۶). ایشان در قوام شخصیت انسانی علاوه بر تاثیر عوامل و عناصر خارجی و ظاهری برای مقومات دیگری مانند افکار و جهان بینی در تشکیل شخصیت او منشأ اثر فراوان قائل هستند (بیانات ۱۳۶۸/ ۰۳/۱۸). بر اساس این دیدگاه، اسلام درصدد ساختن یک انسان کامل می باشد و از اینرو، شناخت انسان کامل یا نمونه اسلامی برای آحاد مسلمان به منظور الگوپذیری و تاسی پذیری واجب است (مطهری، ۱۳۸۷: ج ۲۳ ص ۲۵).

۳-۴. غایت شناسی

آیت الله خامنه ای طبق بینش اسلامی، سرانجام تاریخ را مثبت و جریان عالم را به طور قطع به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح و حکومت صالحان عنوان می کنند (بیانات ۱۳۷۹/ ۰۹/۱۵). همچنین تداوم حیات بعد از مرگ را یکی از نقطه های اصلی و اساسی در جهان بینی اسلامی می خوانند. در دیدگاه امام خامنه ای این قاعده که «در اسلام زندگی با مردن تمام نمی شود» در تنظیم روابط زندگی و در تنظیم پایه های حکومت اسلامی و همچنین اداره جامعه و اداره عالم موثر است (مهاجرنیا، ۱۳۹۴: ۱۰۴). شکل ۱ تبیین تناسب کارکرد دین و دولت و بنیان فکری و سیاسی امام خامنه ای (مدظله العالی) را نشان می دهد.



۲. ماهیت دولت اسلامی از دیدگاه آیت الله خامنه ای

۲-۱. شاکله معنایی و هویتی دولت اسلامی

۲-۱-۱. ماهیت دولت اسلامی

در دیدگاه مقام معظم رهبری دولت به معنای مجموعه کارگزاران و نهادهای حکمرانی اطلاق می شود: «دولت به معنای عام، نه به معنای هیئت وزرا؛ یعنی قوای سه گانه، مسئولان کشور، رهبری و همه» (بیانات ۱۳۷۹/۰۹/۱۲). آنچه در این دیدگاه معرف دولت اسلامی از سایر دولت ها است، رفتار کارگزاران و کارکردی است که دولت اسلامی دنبال می کند: «معنای شعار دولت اسلامی این است که ما می خواهیم اعمال فردی، رفتار با مردم، رفتار بین خودمان، و رفتار با نظام های بین المللی و نظام سلطه امروز جهانی را به معیارها و ضوابط اسلامی نزدیک تر کنیم. این شعار، بسیار با ارزش است» (بیانات ۱۳۸۴/۰۶/۰۸). مقام معظم رهبری در جایی دیگر نیز از همین منظر دولت اسلامی را تعریف می نمایند: «تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی... تشکیل منش و روش دولتمردان یعنی ماها به گونه اسلامی...» (بیانات ۱۳۷۹/۰۹/۱۲).

۲-۲. مبانی دولت اسلامی

یک. پیوند دین و سیاست: در دیدگاه مقام معظم رهبری، اسلام یک دین سیاسی است و دولت نمی تواند نسبت به آموزه های اسلامی، انفعالی رفتار کند بلکه در واقع، دولت باید مجری احکام و آموزه های اسلامی باشد: «آن عاملی که در اسلام ضامن اجرای احکام است، حکومت اسلامی و حاکمیت احکام قرآن است» (بیانات ۱۳۷۸/۰۱/۱۶). در این دیدگاه همچون امام ره بر تمیز بین اسلام حقیقی و اسلام متعارف تاکید می شود: «نسبت اجتماعیات قرآن با آیات عبادی آن، از نسبت صد به یک هم بیشتر است. از یک دوره کتاب حدیث که حدود پنجاه کتاب است... سه چهار کتاب مربوط به عبادات. مقداری از احکام هم مربوط به اخلاقیات است؛ بقیه همه مربوط به اجتماعیات، اقتصادیات، حقوق و سیاست و تدبیر جامعه است» (امام خمینی ره، ۱۳۸۷: ۱۱).

دو. ضرورت حیات اجتماعی: در دیدگاه مقام معظم رهبری تشکیل و ساخت دولت صرف نظر از ماهیت و ذات آن، یک ضرورت اجتماعی به شمار می آید و انسان ها ناگزیرند برای پیشبرد امورات زندگی فردی و اجتماعی تن به دولت دهند. ایشان با استناد به حدیث منسوب به امیرالمومنین (ع) «و انه لا بد للناس من امیرٍ پر او فاجر» وجود حکومت در جامعه را یک ضرورت اجتماعی، طبیعی و انسانی بیان می کنند و معتقدند جامعه در درجه اول به یک اداره کننده و مدیر احتیاج دارد که این را ضرورت زندگی انسان ایجاب می کند و مسأله خوب و بد بودن وی مسأله بعدی است (بیانات ۱۳۶۰/۰۲/۲۹).

سه. لزوم تحقق حیات طیبه اسلامی: به نظر می رسد سومین مبنایی که تشکیل دولت اسلامی را در دیدگاه مقام معظم رهبری توجیه می کند لزوم تحقق حیات طیبه اسلامی است. ایشان این امر را از اهداف تغییر رژیم پهلوی بیان می کنند و می فرمایند: «ما فرقمان با بقیه گروه هائی که در کشورهای مختلف می آیند یک رژیمی را تغییر می دهند... این است که ما آمدمیم تا حیات طیبه اسلامی را برای کشورمان و برای مردمان بازتولید کنیم؛ آن را تأمین کنیم» (بیانات ۱۳۸۷/۰۶/۰۶).

۲-۱-۳. الگوی آرمانی دولت اسلامی

مقام معظم رهبری، نه تنها دولت اسلامی بلکه اساس و بنیان انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی را برگرفته از مکتب حضرت علی (علیه السلام) می دانند: «انقلاب اسلامی الگو و نمونه خود را از امیرالمومنین گرفت و نظام جمهوری اسلامی به وجود آمد» (بیانات ۱۳۸۰/۰۱/۰۱). البته از بیانات ایشان برمی آید که این الگوگیری به معنای همسانی و همترازی با حکومت و حکمرانی علوی نیست؛ بلکه جهت گیری جامعه و مسئولین نظام اسلامی در این راستا حائز اهمیت است (بیانات ۱۳۷۰/۰۱/۱۶).

۲-۱-۴. ویژگی های دولت اسلامی

از مجموعه بیانات آیت الله خامنه ای در رابطه با نظام سیاسی اسلام و به تبع آن دولت اسلامی نکاتی استنباط می شود: اول آنکه نظام اسلامی، بیّنات، واضحات و امر و نهی هایی دارد (بیانات ۱۰/۰۶/۱۳۷۸). دوم آنکه حکومت اسلامی برای دنیا حرف نوئی دارد (بیانات ۰۴/۱۱/۱۳۷۸) و سوم آنکه، نظام اسلامی برآمده از انقلاب، از شرق و غرب الگو نگرفته است (بیانات ۲۳/۰۲/۱۳۷۹). با توجه به این نکات می توان ویژگی های ایجابی و سلبی خاصی برای دولت اسلامی متصور شد که وجه تمایز دولت اسلامی از دولت غیر اسلامی است:

ویژگی های ایجابی: ویژگی هایی هستند که به مثابه شرط لازمه برای تحقق دولت اسلامی ضروری است. ابتدای دولت بر پایه ولایت الهی، حکمرانی مبتنی فقه اسلامی (بیانات ۱۶/۰۹/۱۳۷۴)، اهتمام توأمان دولت به امر مادی و معنوی (بیانات ۰۲/۰۲/۱۳۷۷)، ضمانت درونی داشتن دولتمردان (بیانات ۱۶/۰۱/۱۳۷۸)، صیانت از حقوق مردم (بیانات ۱۶/۰۱/۱۳۷۸)، تکریم شأن و مقام انسان (بیانات ۱۰/۰۶/۱۳۷۸)، سوق دادن مردم در مسیر رشد و تعالی (بیانات ۰۵/۰۷/۱۳۶۹) از جمله ویژگی های ایجابی است.

ویژگی سلبی: ویژگی هایی هستند که با حاکم شدن بر دولت، مانع تحقق دولت اسلامی و به تبع آن اهداف انقلاب اسلامی می شوند. از اینرو مسئولان باید از این ویژگی ها مبرا باشند. نگاه مادی به مقام و منصب، مسئولیت را به مثابه غنیمت پنداشتن (بیانات ۱۷/۱۰/۱۳۷۱)، زورگویی، قانون گریزی (پیام ۱۰/۰۳/۱۳۶۹)، رشوه گیری، فساد اداری، ویژه خواری، کم کاری، بی اعتنائی به مردم، میل به اشرافی گری، حیف و میل بیت المال (بیانات ۲۸/۰۵/۱۳۸۴) از جمله این ویژگی ها هستند.

۵-۱-۲. شاخص های دولت اسلامی

یک. شاخص اعتقادی و اخلاقی: شاخص اعتقادی و اخلاقی به ویژه در مسئولان رده های بالا از مهم ترین مشخصه های دولت اسلامی است که از نظر مقام معظم رهبری مشتمل بر سلامت اعتقادی، سلامت اخلاقی، سلامت عملکردی ناشی از اعتقاد و نگاه درست به حقایق جامعه است. در این دیدگاه، منبع تشخیص سلامتی سه گانه مذکور، علاوه بر منابع اسلامی، همسویی با رهنمودها و موضع گیری های امام خمینی (ره) است (بیانات ۰۶/۰۶/۱۳۹۲).

دو. خدمت به خلق: شاخص دوم از نظر آیت الله خامنه ای خدمت به خلق است که از آن به «گفتمان اصلی دولت اسلامی» تعبیر و آن را فلسفه وجودی تشکیل دولت اسلامی بیان می کنند. ایشان در خدمت به مردم دو نکته را خاطر نشان می کنند که باید مدنظر قرار گیرد: نکته اول محدود بودن دوره خدمت است که باید از فرصت های نامحدود آن استفاده کرد. نکته دوم جهادی کار کردن است که از نظر ایشان این امر به منظور پی قانونی نیست بلکه به معنای عبور از موانع، انجام کار با شوق و فراموش نکردن آرمان ها و جهت است (بیانات ۰۶/۰۶/۱۳۹۲).

سه. التزام به عدالت: سومین شاخص دولت اسلامی از نظر ایشان عدالت است. عدالت در دیدگاه ایشان، اساس پیشرفت و پیشرفت بدون عدالت همان نتیجه ای را خواهد داشت که تمدن پرجلوه غرب، امروز به آن دچار شده است. (بیانات ۰۶/۰۶/۱۳۹۲) و عدالت در منظومه فکری ایشان به قدری اهمیت دارد که می فرمایند: «جامعه اسلامی باید دنبال عدالت هم برود و اگر عدالت نیست، آن را تأمین کند. اگر در دنیا دو نقطه وجود دارد که یکی نقطه عدل و یکی نقطه ظلم است و هر دو هم غیر اسلامی هستند، اسلام به آن نقطه عدل، و لو غیر اسلامی است، توجه موافق دارد» (بیانات ۱۰/۱۰/۱۳۷۳).

چهار. سلامت اقتصادی و مبارزه با فساد: شاخص چهارم سلامت اقتصادی و مبارزه با فساد است. از نگاه مقام معظم رهبری با توجه به اینکه منصب های حکومتی، جایگاه قدرت و منابع مالی است؛ باید جلو وسوسه های نفسانی را گرفت. مسئولین رده های بالا باید بر سرتاسر دستگاهی که تحت اشراف و مدیریت آن هاست، نظارت کنند و نگذارند در یک گوشه ای ناسلامتی اقتصادی به وجود آید (بیانات ۰۶/۰۶/۱۳۹۲). ایشان به صراحت می فرمایند: «در نظام اسلامی، چیزی که به شدت با آن مقابله می شود، رسوخ فساد است» (بیانات ۱۲/۰۵/۱۳۷۲).

پنج. قانون گرایی: به اعتقاد آیت الله خامنه ای باید قانون گرایی را در جامعه نهادینه کرد. به عبارتی، قانون به منزله ریل است و در صورتی فقدان قانون صواب باید قانون معیوب را تا زمان اصلاح اجرا کرد (بیانات ۱۳۹۲/ ۰۶ / ۰۶).

شش. حکمت و خردگرایی: مسئله حکمت و خردگرایی به مثابه شاخص دولت اسلامی ناظر بر کار کارشناسی و استفاده از ظرفیت بالای کارشناسان در بخش های مختلف، مطالعه درست، ملاحظه جوانب و آثار و تبعات یک اقدام، و حتی گاهی ملاحظه تبعات یک اظهار نظر است (بیانات ۱۳۹۲/ ۰۶ / ۰۶).

هفت. تکیه بر ظرفیت درون زای کشور: هفتمین شاخص دولت اسلامی اتکای دولت بر ظرفیت های درونی کشور است. به اعتقاد آیت الله خامنه ای، تکیه به ظرفیت درون زای کشور به معنای آن نیست که از امکانات بیرون از کشور و محصولات خارجی استفاده نشود، بلکه منظور این است که مسئولان امید صرف به ظرفیت های بیرونی نداشته باشند. ایشان، شناسایی و توجه به ظرفیت درونی و بهره برداری خردمندانه از آن ها به ویژه زمینه های اقتصادی و فرهنگی را کلید حل مشکلات کشور می دانند (بیانات ۱۳۹۲/ ۰۶ / ۰۶). جدول ۱ نمونه تشکیل دولت اسلامی ایرانی بامحوریت حکمرانی ولایی مورد تایید را نشان می دهد.

موضوع	حکمرانی متعالی	حکمرانی خوب
نگرش انسان به جهان هستی	الهی	مادی
هدف	تعالی انسان	رشد اقتصادی
ساختاری	قوای سه گانه مستقل	پیشرفت ملی و اقتدار
با محوریت ولی فقیه و حکمرانی ولایی	قوای سه گانه مستقل	تشکیل دولت اسلامی ایرانی

۴-۶. کارکرد (وظایف) دولت اسلامی

۴-۶-۱. وظایف تربیتی

از بیانات مقام معظم رهبری چنی استنباط می شود که حکومت ها و در ذیل آن دولت اسلامی نباید نسبت به تربیت معنوی افراد تحت حاکمیتشان بی تفاوت باشند. در نگاه ایشان حکومت همچون خانواده است که در زمینه معنویت و رشد فضیلت های اخلاقی اعضای خود مسئولیت هایی دارد (بیانات ۱۳۸۱/ ۱۱ / ۱۵). و در این زمینه مسئولان را به برنامه ریزی برای رشد اخلاقیات جوانان رهنمون کرده و خطاب به مسئولان می فرماید: «به جوانان ما مناعت طبع و عفت اخلاقی و اطمینان به نفس و اعتماد به خود و صداقت و شجاعت بیاموزید؛ در آن ها اراده پولادین و انضباط اجتماعی و وجدان کاری به وجود آورید؛ بعد هم برایشان برنامه ریزی کنید. این کارها شدنی است» (بیانات ۱۳۸۰/ ۰۲ / ۱۲). ایشان در پاسخ به شبهه ای که آیا دولت وظیفه ای در رساندن مردم به بهشت دارد به صراحت نظر مثبت می دهند و تفاوت حاکم اسلامی را با دیگر حکام در همین مسئله می دانند که حاکم اسلامی می خواهد کاری کند که مردم به بهشت و سعادت حقیقی و آخروی برسند. و با توجه به فطری بودن تمایل انسان ها به سعادت، دولت اسلامی را موظف می دانند که در این راستا، روند امور را تسهیل کند. البته این هدایت نباید ملازم با فشار و تحمیل باشد و این وظیفه ریشه در سیره امیرالمؤمنین (ع) دارد (بیانات ۱۳۹۳/ ۰۲ / ۲۳).

۴-۶-۲. وظایف اقتصادی

در دیدگاه آیت الله خامنه ای وظایف اقتصادی دولت و پرداختن به امور اقتصادی مردم از اوجب واجبات حکومت هاست که باید مورد اهتمام قرار گیرد (بیانات ۱۳۸۰/ ۰۲ / ۲۸). آیت الله خامنه ای تأکید دارند که باید اصول اقتصادی مدنظر امام (ره) استخراج و عملیاتی شوند. ایشان برخی از اصول واضح در فرمایشات امام (ره) را استقلال در

اقتصاد ملی، تکیه به خودکفائی، عدالت اقتصادی در تولید و توزیع، دفاع از طبقات محروم، مقابله با فرهنگ ظالمانه سرمایه داری و احترام به مالکیت، احترام به سرمایه، احترام به کار، هضم نشدن در اقتصاد جهانی برمی شمارند (بیانات ۱۴/ ۰۳/ ۱۳۹۲؛ و همچنین نک: امام خمینی، ۱۳۸۳: ۷۹-۸۳). همچنین در راستای این اصول، دولت را به ایجاد اشتغال، مبارزه با فساد و باز کردن گره های امور معیشت مردم و رونق دادن به اقتصاد کشور ملزم کرده اند (بیانات ۱۱/ ۰۲/ ۱۳۸۱). در سال های اخیر با توجه به اهمیت مسائل اقتصادی و چالش هایی که جمهوری اسلامی با آن ها روبرو بوده است، رهبر معظم انقلاب بر اقتصاد مقاومتی به عنوان یک تکلیف تاکید کرده اند. ایشان ستون فقرات اقتصاد مقاومتی را تقویت تولید داخلی بیان می کنند (بیانات ۰۹/ ۰۲/ ۱۳۹۴). نگاه به ظرفیت های درونی کشور اعم از امکانات انسانی، طبیعی، امکانات جغرافیایی و موقعیت منطقه ای (بیانات ۱۲/ ۰۸/ ۱۳۹۲) و همچنین کاهش وابستگی به نفت و جایگزینی آن با فعالیت های اقتصادی درآمدزای دیگر همچون صنایع دانش بنیان را پیشنهاد می کنند (بیانات ۰۳/ ۰۵/ ۱۳۹۱). توجه به بخش خصوصی و جایگاه مردم در اقتصاد، جدی گرفتن معرفی فرصت های سرمایه گذاری کشور به بخش خصوصی، شفاف سازی اطلاعات (بیانات ۲۶/ ۰۵/ ۱۳۹۰)، انضباط اقتصادی، اصلاح قوانین، ثبات، شفافیت و انسجام آن ها را از عوامل رونق اقتصادی بیان می کنند (بیانات ۲۹/ ۰۳/ ۱۳۸۵).

۴-۶-۳. وظایف فرهنگی

در اندیشه مقام معظم رهبری دولت اسلامی علاوه بر وظایف فوق الذکر، وظایف فرهنگی را نیز برعهده دارد. ایشان در این رابطه می فرمایند: «آیا ما به عنوان دولت اسلامی می توانیم هدایت فرهنگی جامعه خودمان را رها کنیم؟ قطعاً نه، جزو وظائف ماست» (بیانات ۱۶/ ۰۶/ ۱۳۸۸). و در این راستا صدا و سیما، وزارت ارشاد، وزارت علوم و وزارت آموزش و پرورش را دستگاه های خدماتی هدایتی حکومت قلمداد می کنند که باید از ابزارهای هدایت بهره بگیرند تا مردم متدین بار بیابند و به مبانی دینی معتقد بشوند (بیانات ۱۶/ ۰۶/ ۱۳۸۸). در واقع وظیفه دولت در این امر را بسترسازی لازم برای جریان اندیشه درست و اخلاق فاضله در کشور می دانند (بیانات ۰۹/ ۰۴/ ۱۳۸۶). ایشان در جای دیگری در رابطه به وظیفه سنگین مسئولان در امور فرهنگی می فرمایند: «نظام اسلامی نمی تواند نسبت به فرهنگ و اخلاق مردم خود بی تفاوت باشد... نظام اسلامی از آنچه که مردم را منحرف و گمراه می کند، رنج می برد. این روش پیامبر گرامی است و نظام اسلامی همان روش را باید داشته باشد... دستگاه های ما، بخصوص دستگاه های فرهنگی، وظیفه سنگین تری دارند» (بیانات ۰۶/ ۱۲/ ۱۳۸۱). ایشان باز کردن بندهای اختاپوس فرهنگی تحمیل شده به وسیله غرب از دست و پای جامعه را جزو کارکردهای اصلی دولت اسلامی می دانند (بیانات ۲۹/ ۰۳/ ۱۳۸۵).

۴-۶-۴. وظایف سیاسی

اهتمام دولت اسلامی به حقوق سیاسی مردم و تلاش برای ایفای حقوق شهروند از جمله وظایف سیاسی می باشد. در عرصه سیاست خارجی، اصل مورد تأکید مقام معظم رهبری که دولت اسلامی باید به آن پایبند باشد اصل «أَشَدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ وَ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» است. در واقع این اصل ریشه در تفکر امام خمینی (ره) دارد (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۲، ص ۳۶۵) و از قرآن و سنت نبوی گرفته شده است. طبق این اصل دولت اسلامی با دشمنان و استکبار سر آشتی نداشته و با برادران مسلمان بنای بر دوستی و برادری دارد. و پایبندی نظام جمهوری اسلامی به دفاع از مظلوم صرف نظر از دین و آیین او، از جمله دفاع از جبهه مقاومت شیعه در لبنان و همچنین حمایت از مقاومت فلسطینیان سنی را خاطر نشان می کنند (بیانات ۲۶/ ۰۵/ ۱۳۹۴) تا جایی که حمایت از انتفاضه فلسطین و مبارزه با صهیونیسم را از ارکان اصلی سیاست های راهبردی جمهوری اسلامی ایران برمی شمارند (بیانات ۰۴/ ۰۲/ ۱۳۸۰). به نظر ایشان مبارزه با سلطه یکی از وظایف دولت اسلامی است (بیانات ۰۸/ ۰۶/ ۱۳۸۴).

۴-۶-۵. وظایف امنیتی

امنیت در همه حکومت ها و نظام های سیاسی از نیازهای اساسی است زیرا وجود آن باعث استحکام و استمرار جامعه می شود. در دیدگاه مقام معظم رهبری برقراری امنیت در همه ابعاد آن بر عهده دولت اسلامی است: «امنیت اخلاقی، امنیت اجتماعی جزو وظایف ما است؛ جزو وظایف جمهوری اسلامی است؛ نمی توانیم اینها را رها کنیم»

(بیانات ۰۶/ ۰۲/ ۱۳۹۴). اگرچه میزان امنیت امری نسبی است؛ اما به باور ایشان مردم باید امنیت جان، مال، فرزندان، ناموس و امنیت در فکر، عقیده، سرمایه گذاری و فعالیت اقتصادی‌شان را احساس کنند (بیانات ۲۸/ ۰۲/ ۱۳۸۰).

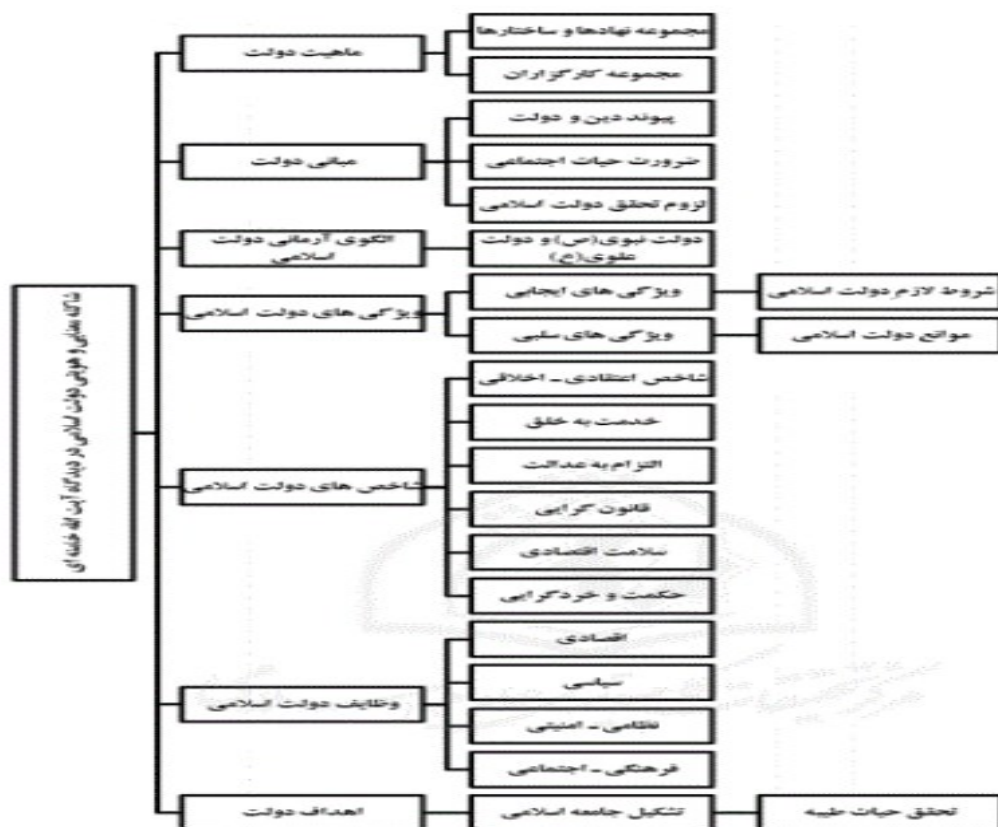
۴-۶-۶. وظایف اجتماعی

از آن جا که وظایف اجتماعی گستره وسیع و مباحث فراوانی را در بر می گیرد، وظایف اجتماعی دولت اسلامی از نظر آیت الله خامنه ای را می توان چنین بیان کرد: گسترش علم، دانایی و آزاداندیشی. (بیانات ۰۸/ ۰۶/ ۱۳۸۴)، نهادینه کردن عدالت اجتماعی، طرف داری از محرومان و دوری از خوی اشرافی گری و تجمل گرایی (بیانات ۱۴/ ۰۳/ ۱۳۹۴)، صرفه جویی و جلوگیری از اسراف در سطح ملی و پرهیز جدی از مصرف بی رویه مانند انجام سفرهای بیهوده و تجمعات اداره ها (بیانات ۰۱/ ۰۱/ ۱۳۸۸)، پرهیز از هزینه کردن اعتبارات و پول های کشور در جاهای غیرلازم و تشریفاتی (بیانات ۱۱/ ۰۲/ ۱۳۸۱)، سوق دادن مردم به سمت قناعت، اکتفا و به اندازه ی لازم مصرف کردن و اجتناب از دعوت به زیاده روی و اسراف (بیانات ۱۵/ ۰۹/ ۱۳۸۱)، توجه جدی به مسئله آب و هوا، نگاه به مسئله غبار و دود، نگاه به مسئله هوا و آب سالم، نگاه به محیط زیست سالم، نگاه به مسئله جنگل ها و گنجاندن آن ها در متن برنامه ها (بیانات ۱۷/ ۱۲/ ۱۳۸۹)، ترویج ورزش همگانی (بیانات ۰۱/ ۱۱/ ۱۳۹۳)، رسیدگی به امور بازنشستگان (بیانات ۲۵/ ۰۴/ ۱۳۷۶).

۴-۷. اهداف دولت اسلامی

دولت اسلامی به عنوان گام سوم از فرآیند پنج مرحله ای تحقق کامل انقلاب اسلامی دارای اهداف گسترده ای است که به نوعی همان اهداف انقلاب اسلامی و خاستگاه اولیه انقلاب هستند. در دیدگاه آیت الله خامنه ای یکی از این اهداف اصلی ایجاد جامعه عادلانه است (بیانات ۱۸/ ۰۲/ ۱۳۸۴). البته ایشان در جای دیگری عدل را جزو اهداف میانی برشمرده اند و می فرمایند: «قطعاً عدل هدف است، منتها این هدف میانی است؛ هدف نهائی عبارت است از رستگاری انسان» (بیانات ۱۰/ ۰۹/ ۱۳۸۹). ایشان از رستگاری انسان ها تعبیر به حیات طیبه می کنند که ریشه ای قرآنی دارد. از نظر آیت الله خامنه ای وقتی یک ملت، هم از نظر مادی و زندگی روزمره برخوردار باشد و هم از جهت معنوی، انسان های مؤمن و برخوردار از اخلاق والای الهی در آن زندگی کنند حیات طیبه محقق شده است که ثمره و هدف نهایی انقلاب است (بیانات ۲۲/ ۰۷/ ۱۳۷۴).

هدف اصلی دیگر دولت اسلامی فراهم ساختن مقدمات تشکیل جامعه اسلامی است که از طرفی، گام چهارم از فرآیند انقلاب اسلامی نیز به شمار می آید. جامعه برخوردار از عدالت، جامعه آزاد، دارای عزت ملی و استغنائی ملی، جامعه ای دارای پیشرفت های همه جانبه و جامعه ای بدون سکون، بدون توقف و در حال پیشروی دائم؛ در واقع حاصل تشکیل دولت اسلامی است (بیانات ۲۴/ ۰۷/ ۱۳۹۰). باید توجه داشت که از نظر ایشان تحقق این اهداف، تدریجی است و باید برای آن تلاش و مجاهدت کرد: «نظام اسلامی، یک نظام پیش ساخته مثل خانه های پیش ساخته نیست؛ نظامی است که باید آجر آجر و سنگ سنگ روی هم چید و آن را بالا برد» (بیانات ۲۲/ ۱۲/ ۱۳۷۹). شکل ۲ شاکله دولت اسلامی درمنظومه فکری رهبری رانشان می دهد.



۳. ارکان و ساخت دولت اسلامی در دیدگاه آیت الله خامنه‌ای

به نظر می‌رسد، مردم، کارگزاران و نهادها ارکان سه‌گانه دولت اسلامی مدنظر آیت الله خامنه‌ای هستند. در این راستا، هر یک از این رکن‌ها وظایف و مأموریت‌هایی بر عهده دارند و چنانچه از مسیر حقیقی و اسلامی فاصله بگیرند قاعدتاً کارکرد دولت اسلامی نخواهد بود. ساخت دولت اسلامی مشروط به همراهی مردم، کارگزاران دولتی و نهادها در مسیر اهداف انقلاب اسلامی است.

رکن اول. مردم

در منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای، هویت جمهوری اسلامی که مقدمه‌ای برای تشکیل دولت اسلامی محسوب می‌شود مبتنی بر مردم‌سالاری است. در دیدگاه ایشان، مردم‌سالاری مبتنی بر مبانی دینی، اعتقادی و ایمانی و نه قرارداد اجتماعی است و این امر وجه تمایز مردم‌سالاری دینی از دموکراسی غربی می‌باشد (بیانات ۲۲/ ۰۲/ ۱۳۸۲). ایشان برای مردم هم در تشکیل و هم استمرار دولت اسلامی نقش اساسی قائل هستند و معتقدند در انقلاب اسلامی، مردم نقش خود را به خوبی ایفا کردند. چنانکه اگر آراء و حضور مردم نبود و خواست آن‌ها محقق نمی‌شد؛ اساساً نظام جمهوری اسلامی تشکیل نمی‌شد (بیانات ۱۴/ ۰۳/ ۱۳۷۸). در واقع ایشان همچون امام خمینی (ره) معتقدند مردم ولی نعمت کارگزاران در نظام اسلامی هستند (بیانات ۱۴/ ۰۹/ ۱۳۶۹؛ خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۸ ص ۳۸) و نقش تعیین‌کننده دارند: «در نظام اسلامی، مردم تعیین‌کننده‌اند» (بیانات ۱۴/ ۰۳/ ۱۳۸۰).

امام خامنه‌ای حق انتخاب مدیر و نقش داشتن در امور کشور را، از جمله حقوق آحاد ملت می‌دانند (بیانات ۰۱/ ۰۱/ ۱۳۸۴) و بر حضور حداکثری، عمومی، یکپارچه، پرشوق و امیدوارانه مردم در عرصه‌های مختلف تأکید دارند (بیانات ۲۲/ ۰۳/ ۱۳۹۲). می‌توان گفت در نگاه ایشان رابطه مردم و نظام اسلامی یک رابطه دوسویه است؛ از یک سو، پشتیبانی دل‌ها و احساسات مردم از مسئولان، پشتوانه حرکت آن‌هاست (بیانات ۱۹/ ۰۸/ ۱۳۸۵) و آن را قوام نظام

جمهوری اسلامی بیان می کنند (بیانات ۰۶/ ۱۲/ ۱۳۸۱) و از سوی دیگر بنای جمهوری اسلامی را بر اعتماد کردن به مردم و اعتقاد نظام اسلامی به مشارکت مردم می دانند (بیانات ۲۴/ ۰۹/ ۱۳۸۷).

به باور امام خامنه ای، رأی مردم به مثابه امانت و هیچ کس حق خیانت در آن ندارد. از اینرو مراقبت از آراء مردم، واجب شرعی و نتیجه آن نیز بسان حق الناسی است که باید از آن صیانت کرد (بیانات ۱۸/ ۰۶/ ۹۴). حضور مردم و نقش آفرینی آنها مهم ترین رکن در تحقق دولت اسلامی است: «ما مسؤولان، بدون حمایت مردم چیزی نیستیم و نمی توانیم کاری بکنیم» (بیانات ۱۱/ ۰۵/ ۱۳۸۰). آیت الله خامنه ای اهمیت رأی مردم را برگرفته از قانون اساسی و همچنین تعالیم و راهنمایی های امام (ره) می دانند (بیانات ۱۴/ ۰۳/ ۱۳۸۰). به باور ایشان، سیره امام خمینی (ره) مبنی بر تأکید بر برگزاری فراندوم درباره اصل و کیفیت نظام، انتخابات خبرگان و قانون اساسی، انتخابات ریاست جمهوری و چند ماه بعد انتخابات مجلس که همگی در همان سال اول پیروزی انقلاب برگزار شدند همگی دلیلی بر اعتقاد واقعی و راسخ امام (ره) به آراء مردم است (بیانات ۱۴/ ۰۳/ ۱۳۷۸).

رکن دوم. کارگزاران

در نگاه مقام معظم رهبری رکن کارگزاری دولت، نقش مهمی در روند اسلامی کردن دولت ایفاء می نماید و اساساً بدون توجه به رکن کارگزاری نمی توان تحقق دولت اسلامی را متصور شد. بیشترین الگوپذیری از حکمرانی امام علی (ع) در راستای تحقق دولت اسلامی برای کارگزاران و آن هم در ابعاد مختلف اعتقادی، اخلاقی و رفتاری است. با این قید که در دنیای مدرن، ساختارها و نهادهای سیاسی و اجتماعی مظلوف رفتار کارگزاران دولتی می باشند و عملاً تصورات و تصدیقات کارگزاران دولت است که رفتار و جهت دهی نهادها و ساختارها را تعریف و شکل می بخشد. به اعتقاد آیت الله خامنه ای، کارگزاران در دولت اسلامی باید باور، اخلاق و رفتار خود را منطبق با شریعت اسلام و منبعث از الگوی آرمانی دولت علوی (ع) کنند:

یک. سلامت اعتقادی کارگزاران: در اندیشه مقام معظم رهبری باور اسلامی کارگزاران، منشا عمل و گفتار آن ها بوده و بسیار حائز اهمیت است. از اینرو به باور ایشان، الزامات مسئولیت در دولت اسلامی اعتقاد قلبی داشتن به اصول قانون اساسی و آرمان های جمهوری اسلامی است. تا جایی که از نظر ایشان اشغال پستی توسط کارگزاری که به این موارد اعتقاد و باور قلبی نداشته باشد حرام است: «اگر کسی در نظام جمهوری اسلامی در مسؤولیتی مشغول کار است، ولی آرمان های نظام جمهوری اسلامی را آن گونه که امام بزرگوار ترسیم کرده است و در قانون اساسی تجسم پیدا کرده، در دلش قبول ندارد، اشغال آن پست برای او حرام شرعی است... اگر یک مسؤول عقیده ای غیر از این دارد، می تواند شهروند جمهوری اسلامی باشد - مانعی ندارد - اما نمی تواند مسؤول باشد؛ بخصوص در مسؤولیت های بالا» (بیانات ۰۸/ ۰۸/ ۱۳۸۰).

به اعتقاد آیت الله خامنه ای، سلامت اعتقادی، اخلاقی و عملکردی کارگزاران دولت اسلامی مهم ترین سنجه در ارزیابی دولت اسلامی می باشد. از منظر ایشان، امام راحل (ره)، مفسر و عینیت یافته طراز کارگزار دولت اسلامی در دوره معاصر است که مورد وفاق و قبول سلاقی و برداشت های مختلف اسلامی است. از اینرو تاسی از ایشان در امر حکمرانی، شاخصی برای شناخت مبانی و ارزش های انقلاب اسلامی است: «اولین شاخص دولت اسلامی، شاخص اعتقادی و اخلاقی است - بخصوص در مسئولان رده های بالا - سلامت اعتقادی، سلامت اخلاقی، سلامت عملکردی که از اعتقاد درست و نگاه درست به حقایق جامعه ناشی می شود... علاوه بر منابع اسلامی - که حالا ممکن است از منابع اسلامی، افراد گوناگونی تلقی های مختلفی داشته باشند - ما مجموعه رهنمودهای امام بزرگوار را داریم؛

امام، مورد اعتقاد و قبول و اذعان همه ما است. خب، مجموعه بیانات امام، مجموعه موضع گیری های امام، مجموعه رهنمودهای امام در اختیار ما است. این شد آن شاخص» (بیانات (۱۳۹۲/ ۰۶/ ۰۶).

مقام معظم رهبری در بعد ایجابی، امام خمینی (ره) را مصداقی از الگوی کارگزاران دولت اسلامی می دانند: «سه باور در امام بزرگوار ما وجود داشت، که همین سه باور به او قاطعیت می داد، شجاعت می داد و استقامت می داد: باور به خدا، باور به مردم، و باور به خود. این سه باور، در وجود امام، در تصمیم امام، در همه حرکت های امام، خود را به معنای واقعی کلمه نشان داد» (بیانات ۱۴/ ۰۳/ ۱۳۹۲). و در بعد سلبی، شاه سلطان حسین صفوی را مصداقی از کارگزاران حکومتی می دانند که دولتمردان باید از داشتن روحیات وی برحذر باشند: «آن روزی که شهر اصفهان در دوره شاه سلطان حسین مورد غارت قرار گرفت و مردم قتل عام شدند و حکومت باعظمت صفوی نابود شد، خیلی از افراد غیور بودند که حاضر بودند مبارزه و مقاومت کنند؛ اما شاه سلطان حسین ضعیف بود. اگر جمهوری اسلامی دچار شاه سلطان حسین ها بشود، دچار مدیران و مسئولانی بشود که جرأت و جسارت ندارند؛ در خود احساس قدرت نمی کنند، در مردم خودشان احساس توانائی و قدرت نمی کنند، کار جمهوری اسلامی تمام خواهد بود» (بیانات ۲۴/ ۰۹/ ۱۳۸۷).

دو. اخلاق اسلامی کارگزاران: مقام معظم رهبری در تبیین اخلاق کارگزاران در دولت اسلامی آن ها را به اهتمام و تأسی از سیره سیاسی پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) فرا می خواند: «پیامبر اسلام... که باید برای همه ما هم برای مسئولان کشور، هم برای آحاد مردم اسوه و الگو باشد» (بیانات ۰۵/ ۰۷/ ۱۳۷۰). و در جایی دیگر در این رابطه می فرماید: «امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه آلاف التحية والسلام) یک قله مرتفع است؛ هم برای حاکم اسلامی و حکومت اسلامی، هم برای هر فرد مسلمان» (بیانات ۱۵/ ۰۹/ ۱۳۸۸).

سه. رفتار (عملکرد) اسلامی کارگزاران: آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) رفتار اسلامی را این گونه معنا می کنند: «رفتار دینی یعنی گسترش عدالت در جامعه و خدمت به آحاد مردم» (بیانات ۰۲/ ۰۱/ ۱۳۸۸) و الگوی رفتاری کارگزاران دولت اسلامی را رفتار علوی (ع) می دانند: «باید رفتار علوی در میان ما مسؤولان نظام جمهوری اسلامی نهادینه شود. آن روز است که هیچ گونه آسیب و خطری این نظام را تهدید نخواهد کرد» (بیانات ۰۱/ ۰۱/ ۱۳۸۰). همچنین در این رابطه می فرماید: «ما مسؤولان وظیفه و تکلیف داریم که خودمان را با رفتار امیرالمؤمنین تطبیق دهیم و جهت حرکت خودمان را با او بسنجیم» (بیانات ۰۱/ ۰۱/ ۱۳۸۰). می توان شاخص های رفتاری کارگزاران در دولت اسلامی در دیدگاه مقام معظم رهبری را به شرح ذیل احصاء نمود:

تقوا، تعبد الهی و عمل صالح در آحاد مسئولان و التزام بیشتر در مسئولیت های سنگین تر (بیانات ۰۶/ ۰۳/ ۱۳۹۴).

عدالت گستری در برخورداری ها و دسترسی های همه ی افراد به امکانات کشور (بیانات ۱۸/ ۰۲/ ۱۳۸۴).

صراحت در اتخاذ مواضع انقلابی بر اساس اندیشه های امام (ره) (بیانات ۰۴/ ۰۶/ ۱۳۹۴).

ایستادگی و استقامت در راه ارزش های اسلامی (بیانات ۳۱/ ۰۶/ ۱۳۸۳).

اجتناب از انقطاع و احتجاب از مردم (با مردم هیچ مواجه نشدن) (بیانات ۰۹/ ۱۲/ ۱۳۷۹).

اخلاص و قصد قربت الهی در انجام وظایف (بیانات ۰۶/ ۰۲/ ۱۳۹۴).

اولویت دادن به مصالح عمومی نسبت به مصالح فردی (بیانات ۰۲/ ۰۸/ ۱۳۸۵).

جهد و خستگی ناپذیری (بیانات ۰۲/ ۰۸/ ۱۳۸۵).

اجتناب از خودشیفتگی (بیانات ۱۴/ ۰۳/ ۱۳۹۱).

اجتناب از لذت جوئی (بیانات ۱۴/ ۰۳/ ۱۳۹۱).

اجتناب از اسراف، تجملگرایی و اشرافیگری (بیانات ۲۵/ ۰۹/ ۱۳۷۹).

آرمان گرایی حقیقی در عین واقع گرایی (بیانات ۲۷/ ۰۳/ ۱۳۸۳).

جدیت و تعصب در جهتگیری دین (بیانات ۰۸/ ۰۶/ ۱۳۸۹).

استکبار ستیزی و مبارزه با زورگویان عالم (بیانات ۰۸/ ۰۶/ ۱۳۸۹).

خدمت رسانی و خدمتگذاری به مردم و رفع مشکلات مردم واستبقوا الخیرات «برای کارهای نیک، مسابقه بگذارید» (سوره مائده، آیه ۴۸) (بیانات ۰۱/ ۰۱/ ۱۳۸۲).

انتقادپذیری و برخورد مناسب با منتقدان (بیانات ۰۱/ ۰۱/ ۱۳۹۴).

در نظر گرفتن رضایت الهی در انجام وظایف (بیانات ۰۶/ ۰۶/ ۱۳۹۰).

رفتار جهادی و سبقت در خدمتگذاری (بیانات ۰۱/ ۰۱/ ۱۳۸۲).

اجتناب از سپردن کارها به حوادث و قضا و قدر (بیانات ۱۲/ ۰۵/ ۱۳۷۲).

اجتناب از تنبلی، بی حالی و سهل انگاری (بیانات ۱۲/ ۰۵/ ۱۳۷۲).

سرعت در تصمیم گیری و اقدام (بیانات ۱۴/ ۰۲/ ۱۳۸۴).

رکن سوم. نهادها و ساختارهای حکمرانی

از آنجایی که هر نظام سیاسی و اجتماعی جهت پیشبرد اهداف و آرمان های خود باید نهادهای منطبق با اعتقادات خود را ایجاد کند، امام خمینی(ره) نیز از همان ابتدای پیروزی انقلاب با رأی و نظر مردم نهادهایی چون مجلس خبرگان رهبری، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام را که برخاسته از آموزه های دینی و مقتضیات زمانی و مکانی جمهوری اسلامی بود را ایجاد کردند. مقام معظم رهبری نیز در سال های پس از رحلت امام (ره) که مسئولیت رهبری نظام اسلامی را به عهده داشته اند، همواره از نهادهای قانونی کشور حمایت کرده اند: «بنده از تمام نهادهای قانونی کشور به جدّ دفاع می کنم. آنچه که در مورد اشخاص و شخصیت ها و نهادها برای من مهم است، دفاع از جایگاه و مسؤولیت آنها و کمک به خُسن انجام کارشان است» (بیانات ۱۹/ ۰۴/ ۱۳۷۹). مهم ترین نهادها و ساختارهای دولت اسلامی را به شرح ذیل در دیدگاه آیت الله خامنه ای می توان بیان کرد:

یک. ولایت فقیه و نهادهای وابسته: در اندیشه آیت الله خامنه ای، رهبر جامعه اسلامی در بالاترین جایگاه مسئولیتی بوده و وظیفه خطیری را بر عهده دارد. رهبری جامعه اسلامی در زمان غیبت امام معصوم بر عهده ولی فقیه گذاشته شده که در جمهوری اسلامی نمود عینی و قانونی یافته است. به باور ایشان، ولایت فقیه جایگاه مهندسی و حفظ جهت نظام اسلامی را دارد و باید از انحراف آن به چپ و راست جلوگیری کند. از اینرو، ولایت فقیه از طرفی یک امر نمادین و تشریفاتی محض و احياناً نصیحت کننده نیست و از طرفی نقش حاکمیت اجرایی در ارکان حکومت ندارد. زیرا کشور مسؤولان اجرایی، قضایی و تقنینی دارد که همه باید پاسخگوی مسؤولیت های خود باشند. نقش ولایت فقیه این است که از حرکت کلی نظام به سمت هدف های آرمانی و عالی اش، پاسداری و دیده بانی کند (بیانات ۱۴/ ۰۳/ ۱۳۸۳).

دو. قوه مجریه و نهادهای مرتبط: قوه مجریه که در عرف سیاسی ایران معمولاً دولت نیز خوانده می شود جایگاه مهمی در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران دارد. در واقع یکی از ارکان اصلی در تشکیل دولت اسلامی، قوه مجریه است: «در نظام جمهوری اسلامی، ریاست جمهوری شأن مهمی است. بازوی اجرایی نظام، دولت و رئیس جمهور است» (مصاحبه ۱۸/ ۰۳/ ۱۳۸۰). ایشان خاطرنشان می کنند که نباید دولت -قوه مجریه- جدای از نظام دیده شود بلکه دولت را فعال اصلی در صحنه کشور معرفی می کنند که هر گونه موفقیت آن، موفقیت نظام اسلامی است (پیام ۲۷/ ۰۵/ ۱۳۸۱). به عبارتی، هر کاری دولت انجام دهد چه خوب و یا بد، متعلق به نظام است (بیانات ۰۴/ ۰۶/ ۱۳۸۳).

ایشان دستگاه اجرایی اسلامی را یکی از اهرم های استقرار عدالت بیان می کنند. و عقیده دارند که قوه اجرائی با اعمال نفوذ و قدرتی که داراست باید مظهر حاکمیت اسلامی باشد به این معنا که در محدوده قوانین و اصول اسلامی در جامعه حضور دائمی داشته باشد و مانع بغی و طغیان و تعدی شود (بیانات ۱۱/ ۱۰/ ۱۳۶۶).

آیت الله خامنه ای، در حفظ شأن ریاست جمهوری بارها تذکر داده اند که همه باید این را یک اصل بدانند که رئیس جمهور باید مورد تکریم قرار بگیرد (بیانات ۱۸/ ۰۷/ ۱۳۸۵). همچنین از آن جایی که این شخص با رأی مردم انتخاب می شود و رئیس جمهور قانونی کشور است همیشه مورد احترام و حمایت جامع رهبری در همه دولت ها بوده است. (بیانات ۱۱/ ۰۲/ ۱۳۸۴) و کمک به دولت را یک وظیفه همگانی بیان می کنند و این امر را برگرفته از سیره امام در طول نزدیک به یازده سال امامت پُربرکت و رهبری استثنایی ایشان دانسته (بیانات ۱۴/ ۰۹/ ۱۳۶۹) و هرگونه تضعیف نسبت به مسؤولان نظام، به ویژه دولت را خیانت می دانند (بیانات ۰۷/ ۰۵/ ۱۳۶۹).

سه. قوه مقننه: قوه مقننه یا همان مجلس شورای اسلامی به عنوان یکی از قوای مهم در کشور است که با قانون گذاری و نظارت بر اجرای صحیح قانون می تواند نقش ویژه ای در دولت اسلامی داشته باشد. مجلسی که به وقت، به هنگام و درست قانون بگذارد و در مسائل کشور نظارت کند از مطالبات مقام معظم رهبری است (بیانات ۲۴/ ۰۳/ ۱۳۹۱). ایشان بارها بر جایگاه ویژه قوه مقننه تاکید کرده اند و آن را یک رکن اساسی در کشور می دانند. در واقع قوه مقننه را تبلور و انعکاس همه برجستگی ها و شاخص های نظام اسلامی معرفی کرده (پیام ۰۷/ ۰۳/ ۱۳۹۱) و از آن به خانه ملت و تجلیگاه عزت ملی تعبیر کرده اند که می تواند تأمین کننده ی منافع عمومی و نشان دهنده عزت اسلامی و عزت ملی ما در دنیا باشد و از آن جا که مسؤولان با قوانین تصویب شده در مجلس می توانند حرکت کنند و پیش

بروند جایگاه بسیار مهم آن روشن تر می شود (بیانات ۲۵/ ۰۹/ ۱۳۸۲). ایشان خاطرنشان می کنند که مجلس باید در تراز انقلاب باشد به این معنا که در همه حال منادی شعارهای اصولی انقلاب باشد و همچنین از راه و خطی که امام خمینی (ره) ترسیم کردند، پاسداری کند (پیام ۰۷/ ۰۳/ ۱۳۷۱). همچنین «ایمان، شجاعت، پیشگامی، ایستادگی بر مبانی نظام، ایستادگی در برابر دشمنان، روزآمدی و نوآوری، وحدت و انسجام ملی، کار و تلاش فداکارانه، به میدان آوردن همه ظرفیت های فردی و جمعی» (پیام ۰۷/ ۰۳/ ۱۳۹۱) را نشانه های یک مجلس موفق بیان می کنند.

چهار. قوه قضائیه: به اعتقاد آیت الله خامنه ای، «تمامیت نظام جز به تمامیت و کمال قوه قضائیه تحقق پیدا نخواهد کرد» (بیانات ۰۵/ ۰۴/ ۱۳۸۱). از نظر مقام معظم رهبری سازوکار قوه قضائیه در مقام یک رکن اساسی کشور در قانون اساسی پیش بینی شده که از جهات مختلف نیز متقن و اطمینان بخش است. به عنوان نمونه تعیین وظایف و تکالیف محول شده به این قوه در قانون اساسی تضمین کننده این معناست که دستگاه قضاء بتواند به وظیفه خود عمل کند که یک جهاد فی سبیل الله است (بیانات ۰۷/ ۰۴/ ۱۳۸۰). ایشان اجرای حدود الهی و استقرار عدالت را مهم ترین وظایف قوه قضائیه (بیانات ۲۳/ ۱۰/ ۱۳۷۱) و برای تحقق این اهداف متعالی، نظام قضایی اسلام را کارآمدترین وسیله بیان می کنند (انتصاب ریاست قوه قضائیه ۲۳/ ۰۵/ ۱۳۷۸). دستگاه قضائی اسلام را یکی از کارآمدترین دستگاه ها نام می برند که برای مواد قضائی یا قوانین لازم خود، خودکفاست. به این معنا که نیازی ندارد برای چنین اموری از دیگر نظام ها یا کشور و تمدن دیگری وام بگیرد و قوانین آن ها را شبیه سازی کند زیرا در اسلام همه چیز پیش بینی شده است و تأکید می کنند قوانین باید طبق مقررات اسلامی تنظیم و آماده شود و با جرم به هر شکلی مقابله گردد (بیانات ۰۷/ ۰۴/ ۱۳۷۹). ایشان شأن قوه قضائیه را این می دانند که اگر به کسی در هر گوشه از کشور اسلامی ظلم شد، امیدوار باشد که با مراجعه به دستگاه قضائی احقاق حق می شود (بیانات ۰۷/ ۰۴/ ۱۳۷۹). مقام معظم رهبری تأکید می کنند که مسئولان قضایی باید شأن قضا و قضاوت را در نظام اسلامی در نظر بگیرند و کار خود را با آن بسنجند (بیانات ۰۷/ ۰۴/ ۱۳۷۴). شکل ۳ ساخت و ارکان دولت اسلامی را از منظر رهبری نشان می دهد.

و فقر می باشد. از این منظر می توان مجموعه وظایف دولت اسلامی را ذیل کارکرد سیاسی، امنیتی، اقتصادی، تربیتی و فرهنگی تعریف کرد.

در دیدگاه امام خامنه ای دولت اسلامی ارکان سه گانه ای دارد که بدون همراهی و همروی آنها، عملاً امکان ساخت و تحقق دولت اسلامی ممکن نیست:

رکن اول. مردم: نظام سیاسی اسلام، مبتنی بر مردم سالاری دینی است و اساساً نقش مردم در شکل گیری، حفظ و تداوم مسیر اسلامی دولت، تعیین کننده است. از یک سو، مردم ولی نعمت کارگزاران هستند و از سوی دیگر رای مردم به مثابه امانت الهی است و صیانت از آن، واجب شرعی می باشد. حضور، انتخاب و مشارکت مردم، قوام بخش نظام سیاسی اسلام و اعتماد به دولت برای تحقق مطالبات مردم است. دولت در قبال حمایت مردم، وظیفه ایفای حقوق مردم را بر عهده دارد.

رکن دوم. کارگزاران: کارگزاران دولت اسلامی باید از نظر اعتقادی، اخلاقی و رفتاری منطبق بر دین و با الگوگیری از سیره سیاسی پیامبر اکرم(ص) و امام علی (ع) مشی کنند. در این دیدگاه، امام خمینی(ره) به عنوان الگو و همچنین عینیت یافته طراز کارگزار دولت اسلامی در عصر حاضر معرفی می کنند.

رکن سوم. نهاد و ساختارها: ولایت فقیه، قوه مجریه، قوه مقننه و قوه قضائیه از جمله نهادها و ساختارهای اصلی می باشند.

بر اساس دیدگاه امام خامنه ای، تحقق دولت اسلامی در مسیر تمدن اسلامی، حرکتی تدریجی و عملی است. و در صورت توجه به همه ابعاد دولت اسلامی و تلاش در تحقق آن ها، دولت اسلامی که نقش مهم و اساسی در تمدن سازی دارد شکل خواهد گرفت. در این میان، مبانی تصویری ناظر به تعریف لغوی و اصطلاحی مبانی، الگو، اسلامی، ایرانی، پیشرفت و تلقی از ماهیت دولت اسلامی است. بر اساس این تلقی، حکومت ایزار است نه هدف، امانت است نه تملیک، تدبیر است نه تزویر، برای خدمت است نه برای کسب قدرت و پرستیژ، هم حق است هم تکلیف و بالاخره ولایت است نه سلطنت. مبانی تصدیقی دولت اسلامی به دو دسته مبانی دور و نزدیک تقسیم می شود. مبانی دور عبارتند از: مبانی هستی شناختی، معرفت شناختی، انسان شناختی و روش شناختی و بایدهای مبانی نزدیک دولت اسلامی به سلامت اعتقادی و اخلاقی، عدالت، حکمت، قانونگرایی، نفی نظام سلطه، درونزا و برونگرا بودن اشاره دارد.

منابع

یادداشت ها

قرآن کریم ترجمه حضرت آیت الله ناصر مکارم شیرازی.

بیانات مقام معظم رهبری(مدظله العالی) .

منابع فارسی

- ۱- امام خامنه ای (مدظله العالی)، سید علی (۱۳۹۳)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن؛ سلسله جلسات تدریس استاد سید علی خامنه ای. تهیه و تنظیم: کمیته فرهنگی مرکز صهبا، تهران: موسسه ایمان جهادی.
- ۲- امام خامنه ای (مدظله العالی)، سید علی. (۱۳۹۴)، ولایت و حکومت؛ مباحثی در باب مفهوم ولایت، حکومت الهی و حاکم اسلامی. (گردآوری بیانات آیت الله خامنه ای (مدظله العالی))، تهیه و تنظیم: کمیته فرهنگی مرکز صهبا. تهران: موسسه ایمان جهادی.
- ۳- امام خمینی (ره)، روح الله (۱۳۸۳)، وصیتنامه سیاسی الهی امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۴- امام خمینی (ره)، روح الله (۱۳۸۶)، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۵- امام خمینی (ره)، روح الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۶- آشوری، داریوش، چاپ بیست و یکم، (۱۳۹۱)، دانشنامه سیاسی. تهران: انتشارات مروارید.
- ۷- بشیریه، حسین، چاپ نهم، (۱۳۸۷)، آموزش دانش سیاسی: مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی. تهران: نشر نگاه معاصر.
- ۸- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۹)، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی. قم: نشر اسراء.
- ۹- حاجی صادقی، عبدالله، چاپ دوم، (۱۳۸۶)، فلسفه و نظام سیاسی اسلام. قم: زمزم هدایت.
- ۱۰- خسروپناه، عبدالحسین، چاپ اول، (۱۳۸۲)، گستره شریعت. تهران: نشر معارف.
- ۱۱- شمس الدین، محمدمهدی، چاپ اول، (۱۳۸۰)، جامعه سیاسی و اسلامی «مبانی فقهی و تاریخی». ترجمه سید مرتضی آیت الله زاده شیرازی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۲- عباسی، ولی الله. (۱۳۸۲، ۱۳۸۳)، نظریه دین حداکثری (درآمدی بر قلمرو گستره دین از منظر استاد مطهری). قبسات. شماره ۳۰ و ۳۱. صص ۱۳۳-۱۶۲.
- ۱۳- عظیمی شوشتری، عباسعلی. (۱۳۸۸)، اهداف و وظایف کلی در اسلام. معرفت سیاسی. سال اول. شماره اول. صص ۹۹-۱۲۸.
- ۱۴- فیرحی، داود، چاپ سیزدهم، (۱۳۹۵)، نظام سیاسی و دولت در اسلام. تهران: انتشارات سمت.
- ۱۵- لک زایی، شریف. (۱۳۸۶)، بررسی تطبیقی نظریه‌های ولایت فقیه. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
- ۱۶- مهاجرنیا، محسن، چاپ اول، (۱۳۹۳)، فلسفه سیاسی آیت الله خامنه ای (مدظله العالی). تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.

۱۷- نوایی، علی اکبر، چاپ اول، (۱۳۸۱)، نظریه دولت دینی. تهران: نشر معارف.

۱۸- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، مجموعه آثار، ۲۴ ج، تهران: صدرا.

۱۹- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، انسان و ایمان، تهران، صدرا.

منابع خارجی

۲۰- وینست، اندرو. (۱۳۸۷). نظریه های دولت. ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی. چاپ ششم.

۲۱- هیوود، اندرو. (۱۳۹۲). سیاست. تهران: نشر نی. چاپ سوم.

مقالات، تقریرات درسی و ترجمه

- اوزر، آتیلا، چاپ اول، (۱۳۸۶)، دولت در تاریخ اندیشه غرب. ترجمه عباس باقری. تهران: نشر و پژوهش فروزان روز.

- لمبتون، آن. کی. اس، چاپ سوم، (۱۳۸۵)، دولت و حکومت در اسلام. ترجمه محمد مهدی فقیهی. تهران: شفیع.

منابع اینترنتی و سایت های خبری

- مجموعه سخنرانی ها و بیانات مقام معظم رهبری قابل دسترسی در: www.khamenei.ir